

بررسی پوشش سنتی زنان بستک

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴

کد مقاله: ۶۳۱۰۶

لیلا احمدپور^۱، امین احمدی بیرگانی^{۲*}

چکیده

مطالعه و بررسی علمی پوشاک و دست یابی به آگاهی های دقیق دربارهٔ جامه های اقوام و گروه های گوناگون اجتماعی و روشن کردن چگونگی سیر تحول و دگرگونی پوشاک در دوره های تاریخی گذشته و تعیین رابطه میان پوشاک و محیط جغرافیایی زیست بومی و فرهنگ و پایگاه و منزلت اجتماعی، دینی و اقتصادی پوشندگان و نقش و کارکردهای مختلف هر تکه از تن پوشها در جامعه های کهن و امروزی از موضوع های بسیار مهم در پژوهشهای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی دانش نوین مردم شناسی است. جنوب ایران، سرزمین رازها و رمزها از ویژگی های قومی و فرهنگی خاص خود برخوردار است. بستک در استان هرمزگان یکی از مناطقی است که لباس های خاص خود را دارد. در این پژوهش به این سوال پرداخته است که، پوشش زنان بستکی چه نوع پوششی است و چه عواملی باعث انتخاب آن گردیده است؟ در پژوهش حاضر اطلاعات لازم به منظور آشنایی با لباس و هنر بومی مردم بستک با توجه به تأثیرات اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و نیز تأثیرات اقلیم و آب و هوایی بر آن، با استفاده از روش کتابخانه ای و میدانی جمع آوری شده، و مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بررسی پوشاک سنتی زنان بستک حاکی از آن است که زنان بستک لباس کاملاً پوشیده ای دارند که نشأت گرفته از جغرافیایی زیست بومی و فرهنگ منطقه می باشد. لباس زنان بستک سرشار از نمادها و نشانه هایی است که درک و دریافت آن نیازمند درک و شناخت باورها عقاید و فرهنگ رفتار های عامیانه مردم این منطقه است.

واژگان کلیدی: زنان، پوشش سنتی، بستک، تزئینات، زیورآلات، لباس بندری

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه پیام نور قشم
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه پیام نور قشم (نویسنده مسئول)

هر کشوری برای خود آداب، رسوم، سنن و در مجموع فرهنگ خاصی دارد و برای حفظ آنها تلاش می‌کند. یکی از بارزترین نمونه‌های حیات فرهنگی یک جامعه، پوشش مردم آن جامعه است که نه تنها ما را با ظاهر آنان در دوره‌های مختلف آشنا می‌کند بلکه اطلاعات مفیدی در مورد میزان تاثیر گرایش‌های مختلف اجتماعی آن‌ها به ما می‌دهد. پوشش به عنوان یکی از کهن‌ترین مظاهر تمدن، از مهمترین دستاورد دست بشر است. اگرچه در نخستین فرم خود شکل بسیار ابتدایی داشت، اما در طول ادوار متفاوت تکامل یافته و به شکل امروزی درآمده است. انگیزه پدید آوردن پوشاک و اختراع جامه، ناشی از نیاز آدمی به دفاع تن خود در برابر عوارض طبیعی به ویژه سرما و گرما بوده است. اما همان‌طور که هر وسیله زندگی، هنگامی که پا از دایره رفع نیازهای ابتدایی و نخستین بیرون بگذارد، حالت تفنن به خود می‌گیرد و در طول زمان از شکل اولیه و صورت ساده خود بیرون می‌آید و وسیله هنرنمایی و ابراز سلیقه می‌گردد، تن پوش آدمیان نیز در سرگذشت بس شیرین خود به مقتضای اقلیم زیست و محل زندگی، میزان درجه تمدن و فرهنگ، عقاید مذهبی و آداب و رسوم، دستخوش دگرگونی‌های بی‌شمار و شگفت‌انگیزی شده است که عوامل اجتماعی و اقتصادی و ارتباطی به ویژه سلیقه و ابتکار پوشندگان در تکامل و تنوع آن سهم بسزایی داشته است.

اعضای جامعه از راه نشانه‌های نمادین جامه‌هایی که بر تن دارند، میان خود یک نظام ارتباطی فرهنگی برقرار می‌کنند. رمزگشایی از این نشانه‌ها و دریافت معانی و مفاهیم آنها در هر گروه اجتماعی مستلزم درک رفتارهای اجتماعی و فرهنگی مردم آن گروه و شناخت نظام‌های دینی، اعتقادی و اعمال جادویی تابویی و باورهایی است که پوشاک ارزشهای نمادین خود را از آنها گرفته‌اند. این ارزشها نقش مهم و برجسته‌ای در نگهداشت هویت اجتماعی و فرهنگی و استمرار و تداوم آن در حیات تاریخی نسلها ایفا می‌کنند. پوشاک با زبان یا نظام نشانه‌ای خود، هویت فردی، اجتماعی و جغرافیایی‌های و وابستگی‌های صنفی، سیاسی و مذهبی و شأن و منزلت اجتماعی و اقتصادی مردم را نشانه می‌دهد. ایران کشوری است با جغرافیای متنوع و اقوام مختلفی که در جای‌جای آن سکونت دارند، اقوامی که هر یک تاریخ، فرهنگ، سنت و پوشاک مخصوص به خود را دارند. تنوعی که در جزئیات و کلیات پوشاک هر قوم و عشیره مشاهده می‌شود، توجه را به بررسی و شناخت پوشاک سنتی جلب می‌نماید.

پوشاک سنتی در ایران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که از یک سو، نماد فرهنگی کشور محسوب می‌شود و از سوی دیگر، وجوه تمایز فرهنگ هر قوم را با دیگری به خوبی نمایش می‌دهد. گروه‌های متفاوت انسانی که در مناطق مختلف کشور ما زندگی می‌کنند هر کدام دارای ویژگی‌های قومی برجسته‌ای بوده و تن‌پوش ویژه‌ای داشته که معرف قومیت، زبان و سایر مشخصات فرهنگی آنان می‌باشد. پوشاک زنان هر سرزمین بیانگر تمدن و فرهنگ آن جامعه است زنان ایرانی از ابتدا پوشش و لباسهای خاص خویش را مطابق با فرهنگ و سلیقه بومی سرزمین خود داشته‌اند. پوشاک سنتی زنان ایرانی؛ عناصر و ویژگیهای اصلی متناسب با نژاد مردمان، فرهنگ، دین، اقتصاد و اقلیم هر سرزمین، عناصر و ویژگی‌های لباس آنان به منزله یکی از نمادهای ارتباط اجتماعی مهم قابل مطالعه است. جنس، رنگ، طرز دوخت، شکل لباس و فرهنگ واژگان مربوط به جامعه‌ها با مجموعه‌ای از ارزشها و معیارهایی فرهنگی، اخلاقی و معنوی مانند شرم و حیا، وقار و متانت، جاذبه جنسی اهمیت و اعتبار اجتماعی و اقتصادی، سوگ و شادی، فقر و غنا و باورهای دینی و مذهبی و آرمانی در آمیخته‌اند. از این رو مطالعه در مورد پوشاک مردم یک گروه و قوم و جامعه چه در گذشته و چه در حال و بررسی روند تحول دگرگونی تاریخی، اجتماعی هر یک از قطعات لباس و کارکردهای اجتماعی و تاثیرپذیری و تاثیرگذاری آنها زمینه‌ای مهم و ارزشمند از شناسایی الگوهای رفتاری مادی و معنوی آن گروه خواهد بود.

پس از توسعه جامعه‌های انسانی و شکل‌گیری فعالیتهای اجتماعی اقتصادی و فرهنگی و پدیدار شدن عقاید آرمانهای قومی و دینی - مذهبی، پوشاک و جنس، رنگ، شکل و دوخت هر تکه جامه نقش و معنای فرهنگی یافت و کارکرد، نمادین ارتباطی آنها آشکار و برجسته شد. امروزه هر پاره از پوشاک و آرایه‌های مربوط به آنها بنابر ویژگیهای فرهنگی جامعه‌ای که در آنها به کار می‌روند، به صورت رمزی، مفهوم یا مفاهیمی را می‌رسانند. سرزمین ایران با توجه به تنوع جغرافیایی و نیز فرهنگی منحصر به فرد خود، پوشاک و لباسهای سنتی متنوعی دارد که از ذخایر فرهنگی و هویتی ایرانیان است. می‌توان در شکل‌گیری و ترکیب پوشاک محلی زنان بستک عوامل مذهب، شرایط و عوامل طبیعی، نوع معیشت و فعالیتهای جنبی و تولید و منزلت اجتماعی را دخیل دانست.

مشاهده برخی نمونه‌ها در منطقه و گفتگو با زنان محلی و نیز تولید کنندگان این لباسها از منابع دریافت اطلاعات میدانی در این پژوهش‌اند. سایر مشاهدات نیز بر اساس تصاویر انتشار یافته از لباس سنتی اقوام در کتب و فضای اینترنت انجام شده است.

۱-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به آنچه که در بیان موضوع، مطرح گردید، مواردی که در این پژوهش حائز اهمیت می‌باشند عبارتند از - حفظ ارزش‌های سنتی و هویت ملی.

- شناخت پوشاک زنان بستک به عنوان یکی از موارث فرهنگی و تعیین عوامل انتخاب آن از دیدگاه مردم شناسی.
- حفظ و احیاء پوشاک بومی به عنوان یکی از جلوه های زنده میراث تمدنی و هویت فرهنگی و جلوگیری از نابودی و اضمحلال آن.

۲-۱- اهداف تحقیق

- بررسی و شناخت عوامل فرهنگی، اعتقادات و شرایط اقلیمی که می تواند در شکل و ترکیب لباس موثر باشد.
- شناسایی پوشاک زنان بستک و ثبت و ضبط عناصر فرهنگی پوشش های آنها.
- شناخت نمادها و سمبل های به کار رفته در نقوش و طرح های البسه زنان به عنوان نشانه شناسی فرهنگی .
- دستیابی به شناسه ها و شناخت عناصر اصیل فرهنگ ایرانی از طریق کندوکاو در فرهنگ بستک.
- زمینه سازی و به دست دادن ابزاری جهت تحلیل گفتمان های حیطه موضوعی زنان

۲- بستک در پویة تاریخ

بستک از مناطق پسرکرانه های خلیج فارس، از شهرستانهای استان هرمزگان، با قدمت تاریخی است که در قدیم، محلی برای استراحت کاروانها بوده است. بستک پیشینه تاریخی و سیاسی طولانی دارد. «کلمه بستک از اصل بست ساخته شده که به معنی اعتکاف بوده و از بست نشستن مشایخ در مساجد و خانقاه حاصل شده. دوم اینکه در اصل بستک بوده که از کلمه بوستان به معنی گلزار باشد.» (موحد، ۱۳۸۴: ۸). منطقه ای که شهر بستک در آن واقع شده، تا اوایل سده چهاردهم، جهانگیریه نامیده می شد. (حسن نیا و شرفایی، ۱۳۹۲: ۱۴۱). شهرستان بستک بخش وسیعی از غرب استان را در بر میگیرد، که با وجود محصور شدن به وسیله کوهها از دریا فاصله گرفته و با استان فارس مراودات نزدیک دارد و از آنجا که بستکیها نیز از اقوام اچم که پهنه گسترده ای از جنوب فارس، شهرهای و خنج و گراش و... را در برگرفته هستند از ویژگیهای فرهنگی و پوششی قوم اچم برخوردارند. (نژاد دبیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۵). بستک تا سال ۱۳۳۴ جزو استان فارس بوده است. در سال ۱۳۵۵ استان ساحلی و بندر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان به استان هرمزگان تغییر پیدا کردند. بستک در سال ۱۳۷۸ شهرستان شد. مردم بستک به زبان لارستانی با گویش بستکی سخن می گویند. که از دسته زبان های پارسی جنوب غربی ایران است. مردم بستک بیشتر پیرو مذهب تسنن شافعی می باشند. اعتقادات مذهبی چنان با علقه ها و خصلتهای فردی و اجتماعی مردم این منطقه عجین شده است که درستکاری، صداقت و انجام امور عام المنفعه را موجب گردیده است.

۳- پوشاک زنان بستکی

پوشاک ساحل نشینان جنوب کشور به پوشاک بندری مشهورند. پوشاک ساکنین این منطقه غالباً دست خوش سلیقه های مختلف بوده است. زنان جنوب ایران دارای پوشاک سبک وزن و چادر توری سیاه چون پروانه های ظریف سیاهی هستند که بر بالهای سیاه خود خطوط زرد و قرمز دارند. پوشاک زنان بستک از هفت یا هشت تکه لباس تشکیل شده است که شامل کلاهک، روسری پیراهن، شلوار، کفش، چادر می باشد. آنچه لباس و یا تن پوش زنان بستک را زیبایی می بخشد نقش و طرح و رنگ است. موضوع حائز اهمیت در لباس زنان بستک نوع پارچه و رنگ آن است که جنس پارچه هایی که برای پیراهن های زنانه انتخاب می شود به علت گرمای هوا معمولاً سبک و نازک است تا جریان هوا را به راحتی از میان آن عبور دهد همچنین در انتخاب رنگ لباس از رنگ هایی مانند آبی بنفش صورتی و سبز بیشتر استفاده می شد. عناصر اصلی پوشاک سنتی زنان بستک همچون سایر زنان ایران با ویژگیهای خاص آنها را می توان در سه گروه اصلی مطالعه کرد که عبارت اند از سر جامه ها، تن جامه ها و پاجامه ها. پوشاکی که برای پوشاندن روی و موی یا کل اندام و روی لباسهای دیگر استفاده می شود «سرجامه»، پوشاکی که مشخصاً برای پوشاندن نیم تنه بالا استفاده میشود «تن جامه» و پوشاکی که نیم تنه پایین را پوشش میدهد به عنوان «پاجامه».

۳-۱- سرجامه ها

موارد استفاده از هر سرپوش و سربند، رنگ، جنس، اندازه، زیورات و تزیینات، نقوش و نحوه بستن آن و نیز مقدار پارچه لازم و اندازه ها، رنگ، جنس، تزیینات، نحوه دوخت و طرز تهیه، کاربرد و موارد استفاده تن پوش نزد دختران و زنان معرف و نشان دهنده منزلت اجتماعی، شخصیت، موقعیت اقتصادی، سن و ویژگی های فرهنگی آنها به شمار می رود.

۳-۱-۱- چادر

چادر، یکی از اجزای اصلی و مهم پوشش زنان جنوبی است این موضوع آنقدر اهمیت دارد که یک تازه عروس در جهیزیه ی خود علاوه بر داشتن چادر نماز و مشکی، حداقل ۷ نوع چادر دیگر در طرح و رنگ های مختلف و گوناگون نیز دارد. «در شهر بستک زن ها چادری مشکی به شکل عبا بر سر می کنند که کناره های آن را نوار زرد و خاکستری پوشانده و در دو گوشه پایین جلوی آن توپوزه هائی از رنگ نوار آویخته می شود.» (موحد، ۱۳۸۴: ۱۴۲). «چادر بستکی که در گویش بستکی به آن چیت می گویند در پوشش زنان بستکی جلوه خاص داشته که خوشبختانه هنوز هم به عنوان یک سنت در بین بانوان طرفداران خاصی دارد.» (رستگار و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۶) «این چادر مثل چادر بندری برش خورده و دوخته می شود که در جلو پیشانی از بالای سر تا روی سینه از دو طرف با نخ گلابتون های طلایی و نقره‌ای با پولک و مروارید های زیبا تزئین می گردد.» (رستگار و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۶)



چادر گل ابریشمی بستک، صفا ایسینی، ۱۳۸۸: ۱۸۹



چادر خوس دوزی، منبع: نگارندگان



لچک، منبع: نگارندگان

«چادر بندری» با توجه به شرایط آب و هوایی جنوب ضخامت کمی دارد. طرح رنگ و نوع پارچه منحصر به فرد این چادر زیبایی خاصی را برای آن‌ها به وجود آورده است. اغلب این پارچه‌ها از کشورهای عربی، هند و پاکستان وارد ایران می‌شود. چادر بندری در انواع «گل‌دار»، «گل برجسته»، «حاشیه‌دار»، «گلابتونی» و «تک‌گل» وجود دارد که در بین آن‌ها «گل پنبه‌ای» محبوبیت خاصی دارد. بیشتر چادرها به رنگ‌های قهوه ای خردلی، خاکستری مایل به آبی است که اغلب آنها از کشورهای عربی، هند و پاکستان وارد ایران می‌شود. بیشتر نوع‌روسان از چادر ویل گل ابریشمی سبز رنگ استفاده می‌کردند. چادر عروسان حاشیه‌ی زیبا و پشت آن اشرمه (یک نوع زری دوزی) تزئین می‌شد. عروس و نوع‌روسان علاوه بر چادر گل ابریشمی از چادر سوفن ساده سبز رنگ با تزئینات خوس گلابتون و پولک بوته دوزی هم استفاده می‌کردند.

زنان جنوب چادر را به دو حالت سر می‌کنند و از آن استفاده می‌کنند. نام حالت اول «لا نیم لا» است که در این حالت زنان گوشه ای از چادر را با دست بر روی دوش‌شان می‌اندازند و طرف دیگر را آزاد می‌گذارند. نام حالت دوم «کول زدن» است که در این حالت زنان چادر را به دو قسمت تقسیم می‌کنند و از چادر را دور صورت به صورت هلالی می‌پیچند. و دو لبه آن را در زیر گلو محکم می‌کنند و لایه ی دیگر چادر را در زیر بغل و با دست راست می‌گیرند.

چادر بستکی (گل ابریشمی یا اسبابی): تزئینات بر روی چادرهای بستکی تنها در دور چادر از بالای سر تا حوالی انتهای دست‌ها می‌باشد. از بالای سر تا حوالی انتهای بازو از مهره‌ای به نام سوختنی استفاده می‌شده است. (صفا ایسینی، ۱۳۸۸: ۱۰۵).

۳-۱-۲- کلاهک، لچک^۱

کلاهک بانوان بستکی، پارچه ای است سه گوش آستر دار در رنگهای مختلف که بر سر می‌نهند. دو گوشه این لچک را به وسیله بند های قیطان در پشت سر یا زیر چانه به هم می‌بندند. بر انتهای این قیطان ها معمولا زیوری گرد و کوچک می‌آویزند. حاشیه جلو کلاهک زر دوزی و نوار دوزی می‌شود. یا گاه با سکه های مختلف به تزئین آنها می‌افزایند. (ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۱۵۹) لچک گاه از پارچه های گران قیمت تهیه شده و با زیورات و پولک و گلابتون و اشرفی تزئین میشود.

۳-۱-۳- روسری جلیبیل^۲، جلویل^۳

روسری زنان بستکی از توری و به شکل مستطیل است. معمولاً از رنگهای مشکی و بنفش ساده یا دارای گل‌های زerkوب و در زیر کلاهک روی سر گذارده می‌شود. کناره‌های آن از حوالی بناگوش به زیر گلو آمده با سنجاق بسته می‌شود و به دور گردن و شانه می‌پیچد. اندازه آن حدود یک متر و نیم و عرض آن حدود چهار سانتی‌متر است. بر روی این روسری خوس دوزی و گلابتون دوزی انجام می‌شود. حاشیه آن در عرض نیز دارای ریشه از نخ گلابتون و همچنین منگوله ای کوچک و ظریف است. (ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۱۶۰). در گذشته دختران و زنان هرمزگانی به عنوان روسری بر روی لچک می‌بستند ولی امروزه در منزل از آن

استفاده می‌کنند. جلیب‌های مشهور بندری عبارتند از کلیبی‌چی، گروگی‌چی، جزیره‌ای، گزین، دریا، توری ابریشمی، ملاف‌های، شیله کویتی.

۳-۱-۴- آورنی^۴



جلوبیل، منبع: نگارندگان

استفاده از این روسری نسبت به جلیب، ساده تر است. این روسری دارای تزیینات بسیار متنوع به صورت گل‌های ریز و درشت بته جقه ای، گل بادامی، و غیره که در جلو صورت و سطح داخلی اورنی با پولک و گلابتون و یا با نخ‌های طلایی و نقره ای و با چرخ گلدوزی می‌کنند و این روسری به علت استفاده راحت‌تر و ساده‌تر نسبت به جلیب‌های دیگر از رنگ‌های شاد و جذاب در اورنی استفاده می‌شود که معمولاً با لباس زنانه سنتی که برتن می‌کنند، هماهنگی دارد. روش سر کردن آن (که به آن "کول" می‌گویند) به این شیوه است که آن را دور سر و صورت خود می‌پیچند و در نهایت قسمتی از آن را روی سینه ی خود رها می‌کنند.

۳-۱-۵- لپسی^۵



اورنی، منبع: نگارندگان

آخرین سرپوش زنان جنوبی، نامش "لپسی" است که شالی به نسبت بزرگ است و زنان بندری از آن به عنوان چادر، هنگام مهمانداری و کار استفاده می‌کنند. شال نخی نرم و از جنس وال است که با رنگ‌های روشن و شاد تهیه و در تابستان از آن استفاده می‌شود. لپسی شال نسبتاً بزرگی است که زنان هنگام کار یا مهمان داری از آن به جای چادر استفاده می‌کنند که به ندرت شک‌بافی در این سرپوش به کار می‌رود.

۳-۲- تن جامه‌ها

انواع پیراهن‌های زنان بستکی:

۳-۲-۱- جمو کیتا یا «جومه لوکو»



لپسی، منبع: نگارندگان

«جومو لوکو پیراهنی کوتاه با دامن چین دار می‌باشد که به همراه شلوار گشادی به نام «سلیته» استفاده میشود. این پیراهن در قسمت جلوی سینه چاک دار می‌باشد و یقه آن به صورت ایستاده دوخته میشود. این لباس آستین‌های دو تکه دارد که لبه آن چین دار است و جلوی آستین و دور مچ نوار دوزی میشود. دامن این پیراهن کوتاه و چین دار است و حاشیه پایینی دامن را با پارچه‌های زری کاری شده و نوارهای پارچه ای تزیین می‌کنند. شلواری که با این پیراهن استفاده میشود، شلوار ساده دمپای گشاد است که با تزیینات زیبا تکمیل می‌گردد.» (رحیمی، ۱۳۹۷: ۲۰).

۳-۲-۲- بلوز نمتای گشاد

« بلوز نمتای گشاد پیراهنی با دامن گشاد و بلوز کوتاه چاک دار تا روی کمر می‌باشد. این پیراهن را با پارچه‌های گل ابریشمی، مخمل زری، شوارمه، شاه وایل و غیره می‌دوزند. این پیراهن یقه گرد و چاک دار، دارای آستین‌های ساده و گاه پرچین تا بالای مچ دست میباشد. دامن این پیراهن تا بالای قوزک پا و به شکل مستطیل بر خورده که طولی حدود ۸ تا ۱۰ متر دارد. کمر این دامن را لیفه ای می‌دوزند و به علت ظرافت پارچه‌های دستباف از پارچه مخمل قرمز جهت لیفه کشیدن دامن استفاده می‌شود. این دامن بر تن حالتی نیم دایره با کمری پر چین دارد. (همان).

« این دامن معمولاً با پارچه ی گل ابریشمی دوخته می‌شود و در انتهای دامن به ترتیب از پایین: یک تکه پارچه رنگی، یک ردیف نوار کله قندی، نوار چشمی (چشویی)، دالات بی گوشه بی خوس، زری یا حاشیه، دالات چهار خوس گوشه دار، دوخته می‌شود. این تزیینات در دامن‌های مختلف ممکن است متفاوت باشد ولی ترتیب قرار گرفتن آن همیشه به یک شکل است. این دامن معمولاً با پارچه ی گل ابریشمی دوخته می‌شود و در انتهای دامن به ترتیب از پایین: یک تکه پارچه رنگی، یک ردیف نوار کله قندی، نوار چشمی (چشویی)، دالات بی گوشه بی خوس، زری یا حاشیه، دالات چهار خوس گوشه دار، دوخته می‌شود. این تزیینات در دامن‌های مختلف ممکن است متفاوت باشد ولی ترتیب قرار گرفتن آن همیشه به یک شکل است. بلوز بستکی که کوتاه است معمولاً با نوار بندکو تزیین می‌شود و دور یقه لباس را نوار کله قندی کار می‌کردند و گاهی روی آن را با

دست‌گلدوزی می‌کردند. برای تزئین قسمت عمودی روی سینه و سر آستین بلوز بستگی از دالات ۳خوس گوشه دار در دو طرف و پیچینه بی گوشه در مرکز استفاده می‌شود. به این نکته باید اشاره کرد که در این شهرستان برای تزئین بیشتر از پولک استفاده می‌کنند». (عمادی برنطین و رقمی، ۱۴۰۲: ۴۸-۴۹).

۳-۲-۳- پیراهن کندوره (جلیل)

کندوره (در گذشته به آن «چهاردرزی» نیز می‌گفتند)، این پوشش از مشهورترین و رایج‌ترین پوشش‌های زنان بندر عباسی به شمار می‌رود. به صورت کلی پیراهن کندوره یقه ای گرد و جلو بسته دارد که با نوار دوزی های زیبا در ناحیه کمر، برش سرشانه، یقه و همچنین قسمت مچ آستین و پایین دامن تزئین و مزین شده است. این لباس دارای حاشیه نوار دوزی پهن در ناحیه دور کمر است و اندامی بودن آن و انتخاب قد تا حد زانو به مدل و دوخت آن تنوع می‌دهد و از طرف دیگر باعث نمایان شدن زیبایی شلووارهای بندری می‌شود شاید به همین علت است که کندوره رایج‌ترین پیراهن در بین زنان و دختران جوان بندری است.



پیراهن بستگی، منبع: نگارندگان



نما گشاد، منبع: نگارندگان



کندوره، منبع: نگارندگان

پیراهن کندوره با یقه ای گرد که در جلو بسته می‌شود دو برش عمودی از سرشانه تا خط سینه و پایین دامن دارد که از پهلوی یقه تا درز وسط از پارچه رنگی متفاوت و برای لبه آستین نیز به صورت دو تکه از پارچه‌های دیگر استفاده می‌شود این پیراهن بر روی یقه تا زیر سینه و همچنین لبه آستین تا بالای مچ درزهای بالا و پایین آستین‌ها و تکه‌های مثلثی زیر بغل (سنبوسه‌های زیر بغل) حاشیه پایین دامن به صورت پهن نوار دوزی می‌شود و دامن آن دارای چین‌های ریز می‌باشد. اغلب نوارها و زری‌های تزئینی با دست توسط زنان بافته می‌شود و یا از زری‌های طلایی وارداتی از کشورهای پاکستان و حوزه خلیج فارس استفاده می‌شود. در گذشته پیراهن کندوره را از پارچه‌های بمبایچی، چیناوی، ابریشمی، اطلسی رنگارنگ و چالوس می‌دوختند به پیراهن کندوره «چهار درزی» هم می‌گفتند که در اصل دارای شش درز بود. دامن شش تکه پارچه دوخته می‌شد و بر روی هر یک از درزها یک قطعه زری ماریچ می‌دوختند. که با اشکال مختلفی مانند پیچک، ترنج، گل ساعتی، گل‌های اسلیمی، بته جقه‌ای، انواع گل‌ها و... زیبایی پارچه‌ها را دو چندان می‌کند.

اغلب رنگ‌های مورد استفاده برای این پیراهن رنگ‌های گرم و شادی مانند قرمز بنفش سبز سرخابی صورتی نارنجی زرد و به ندرت آبی فیروزه ای است. علاوه بر کندوره زنان از یک زیر پیراهن سفید فاقد آستین که از جنس پارچه‌های نازک و نخی و اغلب وال سفید دوخته می‌شود استفاده می‌کنند.

۳-۲-۴- پیراهن کمر چین

پیراهن کمر چین یکی از زیباترین پیراهن‌های قدیمی زنان بستک است که نسبت به دیگر لباس‌های استان از قدمت بیشتری برخوردار است. این پیراهن گاه با بالاتنه ساده و یقه گرد دوخته و گاه با برش دالبری شکل در زیر سینه و یقه هفت که زیر سینه تا خط کارور را چین‌های منظمی می‌دهند. آستین‌های این پیراهن دو تکه بوده که شامل تکه آستین و سر آستین‌ها می‌باشد. آستین این پیراهن دو تکه است یعنی قسمت مچ آستین همراه با چین‌های ریزی به آستین اصلی دوخته می‌شود. دامن پیراهن از دو تکه تشکیل می‌گردد که هر تکه دو برابر تکه قبلی انتخاب و با چین‌های منظمی به هم وصل می‌شود که دامن حالتی چین دار و پف به خود می‌گیرد سپس چین بالای کمر پیراهن را به بالاتنه وصل می‌کنند و قد آن را تا بالای زانو می‌دوختند. درزهای زیر سینه و روی کارور و همچنین خط کمر دور یقه و درزهای بالا و پایین دامن را با نوارهای زیبا تزئین می‌کنند. برای این پیراهن دو جیب روی دامن در نظر گرفته که جیب‌ها حالتی کیسه مانند داشته و دوخت آن بر اساس سلیقه افراد متفاوت است. پیراهن کمر چین با یقه دلبری، سینه پویی، سینه کفتری و یقه دوزنقه ای با پارچه‌های اطلس و گرانبها برای مجالس عروسی و پارچه‌های وال و چیت و نخی بسته به مراسم مورد استفاده دوخته می‌شود.

زنان برای استفاده روزمره و جهت کارهای خانه یقه آن را ساده و چین دور دامن آن را حذف و فقط بر روی کمر چین می‌دهند و آن را ساده‌تر می‌دوزند. این پیراهن به همراه شلوار گشاد و خاصی پوشیده می‌شود که گشادی آن از کمر تا دمپا به یک اندازه می‌باشد و لبه گشادی پایین هر لنگه شلوار بین ۴۰ تا ۵۰ سانتی متر می‌رسد و کمر شلوار را لیفه ای دوخته و کش می‌کشند. این شلوار نمایی مانند دامن به خود می‌گیرد علاوه بر دمپا دو درز پهلوی شلوار را نیز با نوارهای تزئینی، زری و یا با چرخ گلدوزی

می‌کردند. شلوار تزئین شده بیشتر در مجالس و عروسی‌ها و مورد استفاده افراد متمول بود و گاه بانوان از پارچه‌های چیت و وال گلدار که هم خنک‌تر و ارزان‌تر است برای خانه و کار استفاده می‌کنند.

۳-۳-۳-۳ - پاجامه‌ها

۳-۳-۳-۱ - شلوار بندری

حالت کلی شلوار بندری که به «دمپا تنگ» یا «دم تنگ» شهرت دارد، به این شکل است که از میچ پا تا زانو تنگ بوده و از زانو تا کمر حالت لوزی شکل به خود گرفته و کاملاً گشاد و راحت می‌باشد.



شلوار گل‌بوتون، منبج، نگارندگان



شلوار وندوب، منبج، نگارندگان



شلوار خوس لنگه ای، منبج، نگارندگان



شلوار بادله، منبج، نگارندگان

شلوار بانوان در تمام نواحی استان هرمزگان شکل و آرایشی همانند دارد اما تزئینات دمپای شلوارها بسته به سلیقه محلی و نه شرایط آب و هوایی متفاوت است. شلوارهای هرمزگان دارای دمپای تنگ تا زانو می‌باشد و در ناحیه کمر و پایین گشاد می‌شود و به علت تنگ بودن دمپای شلوار قسمت داخلی این را به صورت چاک دار همراه با زیپ یا دکمه می‌دوزند تا پوشیدن آن راحت تر باشد. کمر این نوع شلوار نیز لیفه دارد و با پارچه یا کش محکم بسته می‌شود. این شلوارها به دو صورت برای استفاده روزمره و مجلسی دوخته می‌شوند و خانم‌ها به راحتی می‌توانند لباس زنانه بندری زنانه خود را با این شلوار ست کنند.

شلوارهای بندری را به رنگ‌های سبز و قرمز و زرد، آبی و نارنجی و با پارچه‌هایی از جنس تترون، پوپلین و چیت برای استفاده روزمره و پارچه‌های کلفت و زری دار مثل اطلس و زربفت و ساتن برای مجالس و عروسی‌ها می‌دوزند.

دمپای شلوارهای بندری از میچ پا تا روی زانو تزئینات بسیار زیبایی دارد که نسبت به تن پوش‌ها از تنوع بسیاری برخوردار بوده که از گذشته تا کنون در بین بانوان جایگاه خود را از دست نداده و به جرات می‌توان گفت که از میان لباس‌های سنتی تنها شلوارهای بندری بقای خویش را حفظ کرده و هر روز با طرح و رنگ جدیدی مورد استفاده زنان سنتی پوش استان قرار می‌گیرد.

گل‌بوتون دوزی، سنگ دوزی‌های تزئینی و پولک‌هایی که توسط دستان هنرمند زنان جنوب، دوخته شده‌اند به شلوار زیبایی زیادی می‌بخشند. شلوارها دارای دمپای تنگ تا زانو است و از زانو تا کمر گشاد می‌شود.

تزئینات شلوارهای بندری بر اساس نوع و محل جغرافیایی دوخت آن اسامی مختلفی دارد که عبارتند از: «بادله تمام»، «ودویی دستی»، «ودویی چرخی»، «پولکی»، «حاشیه ای»، «سر پارچه ای»، «گل‌بوتونی»، «خوس لنگه ای»، «ودویی اطلسی» و «تخی». همچنان این لباس در حال استفاده است و هیچگاه کهنه نخواهد شد.

۳-۳-۲ - کفش

الف- صندل: کفش زنان بستکی از نوع صندل است. که تسمه این کفشها در لای انگشتان قرار می‌گیرد. (ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۱۶۳)

ب- ملکی: «رووار (در محل آن را پشت و رو گویند) در بیشتر خانه‌های روستایی زنها می‌پوشند. (قلی عباسی، ۱۳۷۲: ۱۵۰) دوخت رویه گیوه نسبت به گیوه مردان ظریف تر است.

۴- عوامل مؤثر بر شکلگیری سبک پوشش

گروه‌های متفاوت انسانی که در مناطق مختلف ایران زندگی می‌کنند و هر کدام دارای ویژگی‌های قومی برجسته‌ای هستند تحت عوامل گوناگون از جمله اکولوژی منطقه قرار دارند، تن‌پوش ویژه ای به تن دارند که در همان نگاه نخست قومیت، حوزه زندگی، زبان و سایر مشخصات فرهنگی و حتی مذهب و اشتغالات اصلی زندگی آنان را در ذهن بیننده تداعی می‌کند. پوشاک یکی از نشانه‌های بارز فرهنگی است که همواره در معرض تغییر و تحولات قرار دارد. در شکل‌گیری و ترکیب پوشاک محلی هر قومی عوامل عمده زیر دخالت دارند:

۱-۴- مبانی اعتقادات و باورهای دینی و فراگیر

مردم شهرها، روستائیان و عشایر ایران معتقد به اسلام بوده و به ارزش آن پایبند هستند. به طوری که هر یک از آحاد جامعه، کلیه اعمال و رفتارهای فردی و اجتماعی و حتی ظواهر خود را از جمله «پوشاک» با آن موازن هماهنگ می‌کند. خط مشی و دستورات دینی در مورد پوشاک افراد و به خصوص جامعه زنان کاملاً مشخص است.

۲-۴- عوامل زیست محیطی و اقلیم

عمده‌ترین جنبه کاربری پوشاک، علاوه بر بعد مذهبی و پوششی آن، حفاظت تن در مقابل عوارض آب و هوایی و نیز خطرات و ضربه‌ها و تماس‌های ناشی از فعالیت‌های روزمره است: لذا لباس‌های سنتی در قالب کاربردی آنها عمدتاً ساده و بی‌پیرایه هستند و فقط به جنبه کاربردی آنها توجه می‌شود، ضمناً جنس و نوع پارچه بکار رفته در پوشاک و حتی تعداد آنها در هر منطقه‌ای با شرایط و عوامل طبیعی مطابقت دارد، به طوری که در هر فصلی از سال پوشاک ویژه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد و اساساً بلندی و کوتاهی لباس و رنگ آنها در ارتباط مستقیم با نوع آب و هوای هر منطقه می‌باشد.

۳-۴- منزلت‌های اجتماعی

همان‌گونه که تنوع پوشاک مناطق گوناگون به منزله علامت و نشانه خاص برای معرفی اقوام مختلف است، جنس، رنگ و شکل لباس و زیورها و ضمام آن هم به پوشنده لباس منزلت اجتماعی ویژه‌ای می‌بخشد، زیورآلات زنان در گذشته به جز جنبه‌های نمایش و زیبایی، دلایل اقتصادی و مالی نیز در پس‌انداز خانواده داشته است.

۴-۴- شیوه معیشت

معیشت مسلط جامعه دو نوع تاثیر کاربردی روی پوشاک ساکنان هر منطقه دارد. اولاً بیشتر مواد اولیه‌ای که در پوشاک بومی و سنتی منطقه به کار می‌رود، از تولیدات محلی تامین می‌شود، ثانیاً نوع فعالیت مردم، پوشاک‌های ویژه‌ای را اقتضاء می‌نماید، لذا معیشت هم در کیفیت پوشاک مردم تاثیر می‌گذارد و هم در شکل ظاهری و در تعداد قطعات آن موثر واقع می‌شود.

۵-۴- تاثیر همجواری با اقوام مجاور و نزدیک

یکی دیگر از عواملی که بر تنوع و تغییر پوشاک نزد اقوام ایرانی تأثیر می‌نهد، همجواری شان با هم و تأثیرپذیری آنان از یکدیگر است در یک منطقه گاه چندین قوم ساکن هستند بدین ترتیب پوشاک به تبعیت از تاثیر همجواری، پوشاکی است که تبعیت از سراسر آن منطقه می‌کند بررسی تشابهات موجود در اجزاء پوشاک اقوام گوناگون با در نظر گرفتن حوزه جغرافیایی آنها، نشانه‌ای از تاثیر گذاری آنها بر یکدیگر است. در این راستا، برخی قومیت‌ها، عنصری خاص را از اقوام مجاور خود گرفته و پس از سازگار نمودن با فرهنگ و سلیقه خود آن را مورد بهره برداری قرار داده‌اند.

به گفته برخی محققین لباس زنان جنوب ایران بی شباهت به لباس‌های هندی و عربی نیست گرچه نمیتوان به صورت دقیق این گفته‌ها را تایید کرد. زیرا آنچه این شباهت را نشان می‌دهد زری دوزی و مشابهت زیور آلات این منطقه با کشور هندوستان و یا طرح لباس بندری با لباس مردم امارات است با توجه به این مسئله که قدمت لباس بندری از تاریخ به وجود آمدن امارات بیشتر است و گمان می‌رود رفت و آمد بازرگانان و تجار عرب و هندی و ایرانی به این مناطق باعث تاثیر پذیری از این فرهنگ‌ها شده است، اما با این حال همچنان لباس زنان بستک برای خود گویای زبان فرهنگ و آداب و سنن خاص این منطقه است که در دل خود تاریخ و داستان‌های ناگفته بسیاری دارد.

۵- تزئینات لباس زنان بستک

هر برش و دوخت و تزئینی از لباس‌های محلی حرف و نکته‌ای نهفته و می‌توان آن را نماد خاصی دانست. معمولاً لباس‌ها را با انواع دوخت‌های تزئینی، سنگ و مهره و سکه و سوزن‌دوزی‌های ابریشمی زینت می‌دادند تا چشم‌نواز جلوه کند. علاوه بر زیبایی، کاربردی بودن این لباس‌ها نیز همواره تزئینات زیبا-ترین جلوه -های هنر زنانه و نیز هنر مردمی در این منطقه به شمار می‌رود که زبان گویای سبک زندگی، باورها و فرهنگ، پوشش و آداب و رسوم مناطق جنوبی ایران است.

۵-۱- گلابتون دوزی

گلابتون دوزی نوعی دوزندگی است که جنبه ی تزئینی دارد و در آن نخ گلابتون بکار میرود. به نام‌های کم دوزی، گلدوزی، برودری دوزی و کمان دوزی نیز شهرت دارد. نخ گلابتون طلایی است که از حدیده کشیده و به هیات ریسمانهای باریک ساخته باشند و در قدیم الایام از نخ طلا برای بافت آن استفاده می کردند ولی امروزه از نخ با رنگ زرد استفاده می شود.

کم یا کمان در این نام به دایره-ای چوبی اشاره دارد که پارچه را برای شروع دوخت بر روی آن محکم می-کنند. ابزارهای اصلی برای این دوخت همین کمان چوبی همراه با سوزنی است که قلاب نامیده می‌شود. نخ گلابتون، که عموماً با روکش طلا یا نقره تولید می-شود، ماده‌ی اصلی کار در این هنر است. در گلابتون- دوزی زمینه‌ی اصلی کار به رنگ اصلی باقی می-ماند و نقوش بر روی پارچه- هایی عموماً از جنس کرپ ناز به رنگ‌های زرد، سبز، مشکی، فیروزه ای، زرشکی و نارنجی دوخته می‌شود. گاهی از پولک و منجوق نیز در این رودوزی سنتی استفاده می‌شود.

در مرحله بعد، پارچه را بر روی لبه ی دایره ای چوبی که کم یا کمان نام دارد قرار داده و اطراف آن را به وسیله ی، یک تسمه ی چرمی ، یا زهوار چوبی که حالت دایره داشته و قطرش به وسیله ی یک پیچ کم و زیاد میشود ، محکم میکنند و پارچه را از اطراف می کشند تا همانند پوسته یی بر روی مساحت دایره ی چوبی قرار گیرد. سپس هنرمند به کمک سوزن های خاصی که دارای نوک برجسته است و اصطلاحاً قلاب نامیده میشود، کار گلابتون دوزی را آغاز نموده و به کمک قلاب و نخ هایی که دارای روکش فلزی به رنگ نقره ای یا طلایی است عمل دوخت را انجام می‌دهد. نقوشی که در گلابتون دوزی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد عبارت است از پیچک ترنج، گل ساعتی، نقش محرابی، گل‌های اسلیمی، گل‌های ختائی، نقش بازوبندی، بته روحی، محرمانی یا ستونی، بته جقه-ای، سروچه و انواع گل‌ها.

۵-۲- خوس^۲ دوزی

این هنر که با کمک نوارهای نقره ای باریک ، بر روی پارچه ی توری ریز بافت و پارچه ی شیشه ای تجلی می یابد ، در این شیوه هنرمندان، بر روی پارچه ستاره های فلزی می نشانند که برای تزئین جلیبل یا چادر به کار می رود. نقوشی که بیشتر در خوس دوزی مورد استفاده قرار می گیرد ؛ نخ نَقدَه طلایی یا نقره ای است. پشت و روی پارچه خوس دوزی شده معمولاً یکنواخت بوده و از درخشش خاصی برخوردار است. (بهشتی پور، ۱۳۵۲: ۵۰). پارچه‌هایی که برای بافت جلیبل خوسی استفاده می‌شود، معمولاً به رنگ‌های سیاه، سفید، سبز و زرشکی هستند و نقوشی که بیشتر در آن‌ها مورد توجه است، نقوش ستارگان ۶، ۸ یا ۱۲ پر، دانه دانه‌ای (دیسکو)، گوشواره‌ای و طرح‌های دیگر می‌باشند اما بهترین نقش متعلق به تصویر شاهین است که به آن گل شاهینی می‌گویند. از جلیبل خوسی به دلیل زیبایی در عروسی‌ها استفاده می‌شود. (یاسینی، ۱۳۹۶: ۱۹۳)

۵-۳- بادله دوزی

این هنر که به تله بافی نیز نامیده می‌شود، عبارت است از به هم پیوستن چند نوع زری و شک به گونه ای که شک، در وسط و زری های کوچک در اطراف آن قرار گیرند. از بادله که به شکل نوار هایی با پهنای ۱۵ سانتی متر تولید می شود، برای تزئین لبه ی دمپای شلوارهای زنانه استفاده می شود. (بهشتی پور، ۱۳۴۲: ۱۷۹). شلوارهای بادله دوزی شده که معمولاً مخصوص استفاده ی نو عروسان است و گاهی در مراسم عروسی ، سایر زنان نیز به عنوان پوشش از آن استفاده می کنند دارای دکمه هایی با نخ ابریشمین نیز هست و با شیاری که در بغل ساق پا دارد باز و بسته میشود.

۵-۴- شک بافی

شک بافی از مهمترین و رایج ترین هنر و برجسته ترین حرفه منطقه است که به لحاظ تنوع و ظرافت دارای نقش و نگارهای خاص می باشد که زیبایی خاصی به انواع پارچه های استفاده شده برای تهیه پیراهن و شلوار زنان داده است. این هنر بوسیله نوعی



گلابتون، منیج، نگارندگان

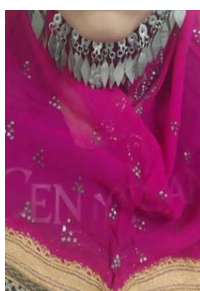


چادر خوس دوزی، منیج، نگارندگان



بادله، منیج، نگارندگان

هاون چوبی که «جوغن» نامیده می شود. چند فرقه مخصوص که به «قالب» معروف است و یک بالشتک استوانه ای شکل انجام می شود. شک به نسبت تقاضای مصرف کننده از ۶ میلی متر تا ۵ سانتی متر پهنا دارد.



باریک ترین نوع آن «زری یک فضل» و پهن ترین شک «مرافعی» نام دارد که از آن برای تزئین لبه آستین، دمپای شلوار، دور یقه، پیش سینه، لبه دامن لباس های زنانه و نیز اطراف مقنعه و سجاده استفاده می شود. (صفا ایسینی، ۱۳۸۹: ۷۴). انواع نقوش شک بافی می توان، کله قندی یا کله کندی یک طرفه، گل اشرفی، قبر عاشقون یا کپر اشکن، دال دالی، گل اشرفی قیچی، کاش خیاری یا محرمانی، سمبوسه ای، چشم ماهی را نام برد.

۵-۵- سکه دوزی یا اشرفی دوزی

سکه دوزی (یا اشرفی دوزی) یکی از صنایع دستی تزئینی مشهور در ایران است. سکه دوزی اصطلاحاً به دوختن انواع سکه ها، دکمه ها، صدف، خرمهره، قطعات ریز یا درشت آینه، پولک و سایر مسکوکات فلزی بر روی پارچه یا لباس اشاره دارد. این هنر اغلب به صورت دستی انجام می شود و از مهارت دستی هنرمندان محلی نمایانگری می کند. نقش تکمیل کننده پوشش را داراست.

۶-۶- زیورآلات

پوشاک و زیورآلات عناصر فرهنگی هستند که با هم و در کنار یکدیگر معرف ذوق، سلیقه، شکوه و غنای فرهنگی هر قوم می باشند. زیورها به تنهای برای زیبایی به کار نمی روند. بلکه نشان و نمادی هستند که علاوه بر بیان موقعیت اقتصادی و اجتماعی فرد، منعکس کننده بسیاری از جنبه های مادی و معنوی، مفاهیم اجتماعی، دینی، اخلاقی و هنری است. زیورآلات هر منطقه با تبعیت از نوع لباس آن منطقه از ویژگی خاصی برخوردار است.

۶-۱- چمبر

«لباس زنان بستکی اصولاً با نوار دوزی و گلابتون دوزی با دست تزئین می گردد از آن جا که دامن ها تقریباً تا بالای قوزک پا می رسد و مچی آستین پیراهن ها نیز کوتاه است، زنان بستکی برای پوشاندن مچ پا و مچ دست از زیورآلات بسیار زیبایی بنام «چمبر» استفاده می کنند. چمبر، یک دستبند پهن طلا شبیه انگوست که دو نوع متفاوت دارد: نوعی که دارای هرم های ریز و نوک تیز است و نوع دیگر که هرم های گرد و در اصطلاح مردم جنوبی پَخ دارد و از آن برای تزئین مچ دست استفاده می کنند. «گری چمپلی» نیز نوعی مچ بند پهن است که نگین های رنگی بر روی آن کار شده و زنان بستکی در گذشته آن را دور مچ پا می بستند.» (موسوی نژاد و اسدی فارسانی، ۱۴۰۱: ۶).

۶-۲- گوشواره سنتی

۶-۳- مرتشع

۶-۴- گردنبند ماهک

یکی از زیورآلات مرسوم زنان بستکی می باشد که یکی از تزئینات لچک می باشد.

۶-۵- سلسله



۷- خاستگاه نقش و نگارها

اصالت و عظمت هر قوم، در هنر و فرهنگ آنان جلوه می‌کند؛ بنابراین آثار هنری همچون صنایع دستی نشانه تمدن و فرهنگ هر قوم که با تاریخ و هنر آنها پیوندی ناگسستنی دارند، بازتابی از نگاره‌های و نقوش نمادین با الهام از باورها، اندیشه‌ها و آرزوهای انسان است. وجود طرحها و نقوش روی لباس منعکس‌کننده آداب و سنن و باورهایی است که با زندگی سنتی خاص یک منطقه در ارتباط است. نقوش آثار هنری هر منطقه حاوی مضامینی آشنا برای مردم آن منطقه است که غالباً با نقش مایه‌های انتزاعی در تولیدات به کار می‌رود گاهی از علائم و نشانه‌ها به جای اشکال واقعی استفاده می‌شود و گاهی از الگوهای ذهنی اما هرچه که هست، این اشکال و عناصر را می‌توان به چند گروه اصلی تقسیم کرد:



نمادها عناصر طبیعی، منبع: نگارندگان

۷-۱- عناصر طبیعی

زندگی پیوستگی عمیقی با طبیعت پیرامون دارد در نتیجه تجلی شکل‌های ساده و درست طبیعت پیرامون آنها در آثار آنها انعکاس گسترده یافته است. طیف وسیعی از اشکالی را دربرمی‌گیرد که بازتاب سایر پدیده‌های طبیعی شامل کوه، رود، و نظایر آن است. اساس این نقوش بر پایه نقش‌های هندسی نهاده شده است.



نمادها عناصر گیاهی، منبع: نگارندگان

۷-۲- عناصر گیاهی

آرایه‌های گیاهی، یکی از بارزترین نقوش بکار رفته در انواع هنرها به شمار می‌رود که همواره حضوری بارز و مستمر دارد و با غنای بسیار به اجرا درآمده است. در میان تمام ملتها گیاهان و عناصر گیاهی از تقدس ویژه‌ای برخوردارند و این موضوع سبب شده است که مفاهیم آشکار و نهفته در آنها بانوان برای استفاده از انتزاعی کردن گل و برگها اثری بدیع و بی‌بدیل را خلق می‌کنند. بانوان از کنار هم قراردادن چند مربع، لوزی، مثلث یا مستطیل انواع نگاره‌های گل و گیاه را می‌آفرینند. این نقش‌ها گاهی کاملاً انتزاعی است. این نقوش گاهی نیز در شکل‌هایی کاملاً واقع‌گرایانه ارائه می‌شود. نقوش گیاهی شامل گل و برگ، درخت زندگی، برگ‌های اسلیمی و ختایی، گل‌های اناری و شاه‌عباسی و صدها گل دیگر مانند گل‌های چهار پر، شش پر و هشت پر می‌شود که هر یک نماد و بیانگر موضوعی ویژه در این هنر هستند.



نمادها عناصر حیوانی، منبع: نگارندگان

۷-۳- عناصر حیوانی

استفاده از نقوش حیوانی بر روی لباس‌ها بیشتر به صورت تجریدی است. این نقش‌ها را می‌توان به دو دسته انتزاعی و واقع‌گرایانه تقسیم کرد. نقوش انتزاعی با الهام از انواع حیواناتی است که بیشتر آن‌ها در منطقه وجود دارند.

۸- نتیجه‌گیری

فرهنگ پوشش ایرانی نمایانگر رفتار، آداب و آیینها، سبک تفکر و زندگی مردمان ایرانی در طول تاریخ است. بیانگر ارزشهای مادی و معنوی است که وقار، نظیف بودن، زیبا بودن، مولفه‌های زیبایی‌شناختی، رنگ‌شناسی، تمسک و همسویی با طبیعت، انسان دوستی، تفکر و اندیشه ورزی، تعادل، انعطاف‌پذیری و تعالی انسانی را روشن می‌نماید؛ سه عنصر اصلی لباس زنان بستک، سرجامه‌ها، تن‌جامه‌ها و پاجامه‌ها هستند که به منزله گروه‌های کلی جامگان سنتی زنان قلمداد می‌شوند. پوشش زنان بستک متناسب با جغرافیا این خط، که آب و هوای گرم و مرطوب غالب است، با ویژگیهایی طراحی شده تا از یک سو برطرف‌کننده نیاز طبیعی بدن متأثر از عوامل جوی و نیاز ذوق‌زیباشناسانه جنوب ایران باشد و از سوی دیگر بیانگر طراحی لباس متناسب با کاربرد اجتماعی و فرهنگی مناطق مذکور باشد. یکی از روش‌های حفظ و اشاعه فرهنگ، ورود آن به مقوله‌های هنری اعم از کاربردی یا تزئینی است. رودوزی پوشش زنان بستک دارای اهمیت خاصی است و با آداب و رسوم و فرهنگ آنها ارتباط تنگاتنگ دارد. از مهمترین تزئینات رودوزی‌های لباس زنان بستک می‌توان به گلابتون دوزی، شک بافی، زری بافی و خوس دوزی اشاره کرد. از این هنرهای زیبای دستی برای تزئین پیراهن، شلوارهای زنانه، سرآستین، پیش‌سینه، سرپوش استفاده می‌شود.

لباس و موزون بودن اندام و برازنده بودن لباس بر تن آدمی است که همواره به عنوان مصداق تعادل و توازن زیبا و امر منطقی است. فرم و برش تن‌پوش‌ها به گونه‌ای است که علاوه بر راحتی آن، مانع انجام فعالیت‌های گوناگون نمی‌شود و

پوشش کامل به شمار می رود. پوششی که علاوه بر پوشندگی، نشان دهنده قومیت و باورهای مربوط به آن قوم نیز هست. رنگ مورد استفاده پوشاک زنان بستک، گویای ویژگی های اجتماعی و فرهنگی آنها است. فرهنگ عامه، سرشار از نشانه ها و نمادها و نماد یکی از جنبه های بیانی رنگ است. نمادهای این خصیصه تا حدی تحت تأثیر خود آگاه انسان و تا حدی تحت تأثیر شرایط اقلیمی می باشد. کامل بودن پوشاک سنتی زنان بستک و راحتی آن، زیبایی، استفاده مناسب از رودوزی های سنتی در تکمیل و تزئین لباس، داشتن تجانس و قرابت فوق العاده با فرهنگ جامعه به خصوص با محل مورد نظر خود، و متناسب بودن با شرایط اقلیمی و جغرافیایی، بر اهمیت هر چه بیشتر آن می افزاید.

پی نوشت

- | | | |
|-----------|-----------|----------|
| 1. lačak | 3. jelvil | 5. leysi |
| 2. jelbil | 4. orni | 6. XUs |

منابع

۱. بهشتی پور، مهدی، (۱۳۴۲)، تاریخچه صنعت نساجی ایران، تهران، نشر اکونومیست.
۲. حسن نیا، محمد و شرفایی، محبوبه، (۱۳۹۲)، «بررسی تاریخ بندر لنگه و بستک در کرانه ها و پس کرانه های خلیج فارس»، پیام بهارستان، دوره ۲، سال ۶ شماره ۲۱ / پائیز، صص ۱۳۲-۱۷۴.
۳. رحیمی، قدریه، (۱۳۹۷)، «بررسی عناصر ادبیات و فرهنگ عامه ی شهرستان بستک»، فصلنامه اورمزد، شماره ۴۴، صص ۲۶-۴.
۴. صفا ایسینی شایا، (۱۳۸۹)، پوشاک زنان هرمزگان، تهران نشر روشنفکران و مطالعات زنان.
۵. ضیاءپور، جلیل، (۱۳۴۶)، پوشاک ایلها و چادرنشینان و روستاییان ایران، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.
۶. عمادی برنطین، زهرا و رقیمی، فاطمه، (۱۴۰۱)، «جایگاه زری بافی در پوشاک زنان استان هرمزگان»، جستارنامه فرهنگ و هنر اسلامی، دوره اول، شماره چهارم، پائیز، صص ۴۳-۶۴.
۷. قلی عباسی، مصطفی، (۱۳۷۲)، بستک و جهانگیریه، تهران، ناشر شرکت انتشارات جهان معاصر.
۸. موحد، جمیل، (۱۳۸۴)، بستک و خلیج فارس، تهران، نشر بال کبوتران، چاپ دوم.
۹. نژاد دبیری، سعیده، و همکاران، (۱۴۰۱)، «واکاوی عناصر اجتماعی پوشش سنتی زنان هرمزگانی با رویکرد مردم نگارانه»، پژوهشنامه اورمزد، شماره ۶۰(ب)، زمستان، صص ۶-۳۲.
۱۰. یاسینی، سیده راضیه، (۱۳۹۶)، «زن در فرهنگ و هنر»، دوره ۹، شماره ۲، تابستان، ۱۸۵-۲۰۷.